



نقش آفرینی اساتید در مسائل کشور

نقش دوم اساتید، نقش در مسائل کشور است؛ همین که چند نفر از این برادران، اینجا گفتند و من کاملاً تصدیق می‌کنم. یکی از برادرها گفتند ما مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت و مانند اینها را آیه جامعه‌ا پمپاز نکرده‌ایم؛ البته اهمیت اینها در این نیست که به جامعه پمپاز بشود؛ اهمیت در این است که به مراکز تصمیم‌گیری پمپاز بشود؛ یعنی اینها تصمیم‌سازی است. بله، بنده هم همین را قبول دارم؛ این کارها نشده، این کارها باید بشود. یا برادر دیگری راجع به طرح‌های مصوب و مانند اینها گفتند، یا آن برادری که سیستم غلط کار صنعتی در طول ۵۰سال را ذکر کردند؛ اینها حرف‌های اساسی است؛ عرض کردم، اینها قابل بحث است؛ اینها را باید بحث کرد، باید پخته کرد. اما اینها حرف‌هایی، فکرها‌یی و نظراتی است که باید به مراکز تصمیم‌گیری منتقل بشود؛ مراکز تصمیم‌گیری را باید در جریان این مسائل قرار بگیرند، از اینها استفاده کنند. یکی از علل اینکه من اصرار دارم این جلسه در هر ماه رمضان تشکیل بشود و اساتید دانشگاه، آییند و حرف بفرمایند، این است که این حرف‌ها گفته بشود، مسئولان بشنوند، مراکز تصمیم‌گیری بشنوند؛ باید اثر بگذارید. فرض بفرمایید در مسائل اقتصادی کشور، ما این همه راجع به مسائل اقتصادی حرف می‌زنیم، همه هم تصدیق می‌کنند؛ اقتصاد مقومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید می‌کنند، تصدیق می‌کنند، برایش جلسه، کمیته و کمیسیون و مانند اینها هم تشکیل می‌دهند، اما آن چنانکه باید و شاید کار پیش نمی‌رود؛ خراب‌شکل کجاست؟ یک گره علمی وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟ شما که در دانشگاه هستید باید باز کنید.

۳۱ خرداد ۱۳۹۶

تربیین دانشجویی

طرحی که مشکوک است!

■ محمد علوی*

متأسفانه پس از برگزاری کنکور تجربی، طرح تربیت پرستار غیر آکادمیک در حال آغاز شدن است. طرحی که علاوه بر به خطر انداختن آینده شغلی دانشجویان پرستاری، مانع رشد علمی و آکادمیک پرستاری همگام با سطح جهانی خواهد شد و به تدریج با کنار رفتن پرستاری که به صورت آکادمیک رشد پیدا کرده‌اند سیستم درمان کشور با مشکل غیر علمی بودن مواجه خواهد شد. در واقع وزارت بهداشت می‌خواهد از فرصت تعطیلی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های پرستاری استفاده کند و با افزایش ظرفیت دانشکده‌ها برای پذیرش پرستار، زمینه را برای تربیت پرستار بی‌مهارستانی فراهم کرده و این طرح را وارد کنکور و ضوابط آکادمیک کند.

طرح تربیت پرستار ریشه در بحث کمبود نیروی پرستاری دارد که اتفاقاً دغدغه مشترک جامعه پرستاری و وزارت بهداشت است. با این حال، تصمیمات وزارت بهداشت در سال‌های اخیر برای حل این بحران نشان داد که جزای دغدغه‌هایش با دغدغه‌های پرستاران متفاوت است. وزارت بهداشت تا چند سال قبل اساساً بحث کمبود پرستار را قبول نداشت اما در سال‌های اخیر با دستاویز قرار دادن این مسئله به تدوین طرح‌هایی روی آورده که نتایجشان بهترمندی گروهی خاص از منافع مالی سیستم در کنار سوددهی است. ریشه چنین طرح‌هایی را باید در تفکری دید که از دهه ۷۰ و همزمان با ورود حجم قابل توجهی از سرمایه و پول به سیستم درمان کشور بر این وزارتخانه مسئولی است. این تفکر مربوط به یک گروه خاص در وزارت بهداشت است که این بالاها را حتی بر سر گروهی از پزشکان عمومی هم آورده‌اند و این طور نیست که بگوییم مسئله فقط محدود به پرستاران است. اعتقاد این تفکر انحصار سیستم‌های دانشگاهی و منابع مالی به نفع خودشان و گروه مورد حمایت خود است. برخی از این افراد که سال‌ها در بدنه وزارت بهداشت فعالیت می‌کردند، بر این باورند که اساساً پرستاری نیاز به تحصیلات آکادمیک و دانشگاه و گذراندن دوره‌های خاص علمی ندارد و همین که از ظرفیت پرستارها در بیمارستان‌ها استفاده کنیم، فعالیت می‌تند. افرادی در سیستم وزارت بهداشت هستند که معتقدند برای تربیت پرستار لازم نیست دست به دامن دانشگاه و سیستم آموزشی شویم. مگر می‌خواهند چه کار کنند. نه‌ایشت یک آمبول‌زدن است و دادن دارو به بیمار، به همین ترتیب نتیجه گرفتند که در یک پروسه شش ماهه اینها را در بیمارستان تربیت می‌کنیم و نیازی به این همه هزینه نیست. متأسفانه برای این گروه، آینده پرستاری اهمیت ندارد و اینکه منابع سرازیر شده به سمت سیستم درمان کشور فقط به جیب همان گروه خاص برود، اولویت دارد. بنابراین این به نظر می‌رسد که وزارت بهداشت دغدغه کمبود پرستاران را ندارد چرا که در این صورت باید برنامه‌ای برای به کارگیری ۲۰ هزار دانش‌آموخته بیکار رشته پرستاری ارائه می‌کرد در حالی که می‌بینیم نه تنها برای این تعداد از فارغ‌التحصیلان رشته پرستاری برنامه‌ای ندارد بلکه می‌خواهد رشته پرستاری را از فضای علمی و آکادمیک نیز دور کند. متأسفانه باید گفت یکی از بزرگ‌ترین رقیب‌های می‌خواهد رشته پرستاری را از فضای علمی و آکادمیک نیز دور کند. متأسفانه باید گفت یکی از بزرگ‌ترین رقیب‌های گروه پزشکان در کادر درمانی پرستاران هستند که حتی در سال‌های اخیر اعتراضاتی از سوی این قشر مطرح شده است که چرا باید وزیر و مدیران وزارت بهداشت که تصمیم‌گیران این وزارتخانه هستند تماماً پزشک باشند در حالی سایر گروه‌ها مانند پرستاران از چنین حقی برخوردار نیستند لذا باید با توجه به مشکوک بودن این مسئله پشت پرده تصویب چنین طرح‌هایی بررسی شود.

دانشجوی رشته پرستاری دانشگاه شاهد

در حاشیه تأکید مجدد رهبر انقلاب بر احقاق حق در موضوع بورسیه‌ها

کو آن دادخواه بورسیه‌ها؟!



اسامی حدود ۹۰۰ نفر از دانشجویان بورسیه به آن را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین موضوعات حوزه آموزش عالی کشور در دولت یازدهم دانست. حالا البته داغی تنور سیاسی پیرامون این موضوع تا حد زیادی فروکش کرده است. سال ابتدایی دولت یازدهم، مهم‌ترین مقطع پرونده مذکور بود. پس از آنکه معاونان وزیر علوم وقت، مسائلی پیرامون این موضوع مطرح کردند، حسن روحانی در مهر ماه ۹۳، خود نیز روی صحنه آمد و با تلخند «بورسیه و ما ادراک مایورسیه»، سناریو را به اوج رساند. پیش از این، البته بخش رسانه‌ای سناریو چندین ماه در نشریات زنجیره‌ای با شدت و حدت تمام، دنبال شده بود. تیتراهای جذابی همچون «بورسیه‌های چراغ خاموش»، «فهرست ۳ هزار بورسیه غیرقانونی»، «سونامی بورسیه آفازده‌ها» و «جزئیات تکان‌دهنده ۳ هزار بورسیه غیرقانونی در دولت احمدی‌نژاد»، تا چند ماه، در صفحه اول رسانه‌های مذکور خودنمایی کرده بود و ضربه حسن روحانی، حالتی تمام‌کننده داشت.

سخنان روحانی در تاریخ مذکور، در واقع تکمیل و تأیید بارلی بود که پیش از این توسط یکی از معاونان وزیر علوم وقت و برخی فعالان فتنه ۸۸ رقم خورده بود. بمب خبری تابستان ۹۳، انتشار

همراه نام رشته و دانشگاه آنها در فضای مجازی تحت عنوان «بورسیه‌های غیرقانونی» بود. سرخ انتشار این اسامی نیز، صفحه فیسبوک «غ-غ» بود. در فضایی که اسامی بزرگ‌ترین حرمین اقتصادی نیز پیش از اثبات جرم با حروف الفبا در رسانه‌ها می‌آید، غیراخلاقی بودن عمل مذکور آشکار بود. لذا مدتی پس از ریختن آبروی دانشجویان و تحمیل فشارهای روانی بر آنها و خانواده‌هایشان، غزالی برای رفع اتهام از خود، در صفحه فیسبوکش خطاب به رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم نوشت: «جناب آقای صدیقی! شما خوب به خاطر دارید که در زمانی که آقای توفیقی سرپرست وزارت علوم بودند و هنوز آقای فرجی دانا برای وزارت معرفی نشده بودند، در آن اتاق طبقه ۱۳ ساختمان شهرک غرب، چه کسی این اسناد و اسامی را به بنده داد و در این مدت چه کسی برای انتشارش مدام تماس می‌گرفت و پیام می‌داد؟»

دادخواهی‌های متعدد دانشجویان مظلوم بورسیه در دستگاه قضا اما ثمری نداشت. شکایت دانشجویان به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس البته نتایج خوبی در پی داشت. اردیبهشت‌ماه ۹۲، محمدعلی پورمختار

آتش به اختیار و رسالت عظیم دانشجویان

رسالت دانشجویان انقلابی در برابر فرزندان ولتر!

دارد، شما افسران جنگ نرم، آنجا آتش به اختیار، رسد.» یعنی اینکه وقتی سال‌هاست ناکارآمدی دستگاه‌های عریض و طویل دولتی دانست. به خصوص این روزها که هر کسی می‌تواند با چند فحاشی اینستاگرامی در جهت امواج باد، به خیل روشنفکران میهن بیپیوندا هستند! پیاده نظام‌های غرب در داخل کشور اما در حالی بر این دست‌نوروشن و بدبهی می‌تازند که گویا خود رهنمودهای پیامبران آنست‌شان را در زمینه مسئولیت اجتماعی و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی کنایبی جمع‌آوری خودجوش در جهت غربی کردن ایران، اقدامی انسانی و شایسته تقدیس است، ولی سخن گفتن از انجام همان فعالیت در جهت اهداف اسلام، انقلاب اسلامی و شهیدان آن تحمل‌ناپذیر می‌شود؟ انجم فعالیت‌های اجتماعی در پوشش استعمار کشورهای آسیایی و آفریقایی بود. لاک جایی در دفاع از سرکوب مسیحیان مؤمن (پاپیست‌ها) می‌گوید: «بیا هر عقیده دینی تا زمانی می‌توان مدارا کرد که اعتقاد به امنیت پادشاهی را سست نگردانند!» به بیانی دیگر؛ یعنی آزادی بیان، تساهل و تسامح، زمانی که با منافع ما سازگار نباشد، چیزی از جنس کشک است نه بیشتر! بر همین مبنا با وجود سر دادن شعار آزادی بیان، هججه بی‌محبا در مقابل هر اظهار نظر، مغلطه کردن و فرصت تنفس را از گوبنده گرفت، رویه ثابت دنباله‌روهای اندیشه لیبرالیسم در ایران بوده و هست. حاشیه‌سازی و وارونه نمایی بیانات رهبر انقلاب دربار، مفهوم «آتش به اختیار» را نیز باید در همین قالب، فهم و هضم نمود. صورت مسئله البته برای افسران جنگ نرم توفیری نمی‌کند. قدمت مفهوم آتش به اختیار، سال ۹۶ نیست! دشمن دیرزمانی است که از رویارویی با جمهوری اسلامی در جبهه جنگ سخت ناامید شده و به نبرد فرهنگی دل بسته است. مرور تجربیات غرب در یک قرن اخیر به آنها می‌گوید هر جا اقدام نظامی کرده‌اند ناکام مانده‌اند. در عوض، پربازده‌ترین عملیات‌های آنها در حوزه فرهنگی بوده است.



دانشگاه

حرف استاد

چگونه باید به مرز دانش برسیم؟



اساتید دانشگاه از مسیر انجام پروژه‌های کاربردی به جای مقالات است. بنابراین باید صنعت‌ها و ارگان‌های کشور، حتی گرایش‌های علوم انسانی، مشکلات خود را لیست کنند. به عنوان مثال صنعت نفت بگوید فلان تجهیزات را نداریم و در حال حاضر کشور واردات این تجهیزات را دارد یا در عرصه صنعت هوایی و حمل و نقل مشکلات و نیازهای خود را لیست کنند و به وزارت علوم یا دانشگاه آزاد داده و پروژه‌های مقطع ارشد و دکتری نیز با این لیست تطابق داده شود و در یک پروژه چند دانشگاه مشارکتی به تولید ایده و محصول بپردازند و سایر دانشگاه‌ها نیروی سایر موارد سرمایه‌گذاری فکری و عملی انجام دهند.

با این کار دانشگاه‌ها می‌توانند ارزش‌گذاری کنند و بگویند اگر پروژه تا این‌س حد پیش برود حمایت مالی هم خواهیم داشت، ولی بحث اصلی باید روی رفع مشکلات اساسی باشد. خیلی از پایان‌نامه‌های دانشجویان با نمره‌های بالا بدون کاربرد در قفسه‌های دانشگاه خاک می‌خورد، اما از مقالات پایان‌نامه‌های دانشجویی شاید افرادی که در ناسا کار می‌کنند و در مرز دانش حرکت می‌کنند بهره‌برداري کنند.

الته باید در نظر داشت که فلسفه تحصیلات تکمیلی پژوهش است و نباید از تعدد و کیفیت مقالات غافل شد، اما مقالات غیر کاربردی راهگشای مشکلات کنونی جامعه ما نیست، ما باید به مرز دانش برسیم و ابتدا در تولید صنعت و سایر عرصه‌ها ورود داشته باشیم و با رفع مشکلات در گام بعدی در مرز دانش نقش آفرینی کنیم.

روایت دانشجویی



فراموش کرده بودم

■ سمیه عظیمی

نمی‌دانم عرق خستگی است یا شرم که چنان سیلابی راه پیشانی تا چانه‌ام را در پیش گرفته! یا یک دستم کتابم را ورق می‌زنم و با دست چسب خورده دیگرم کتلت‌های درون ماهیتابه را زیر و رو می‌کنم. بی‌هوا! آمدند؛ بی‌خبر... مادر، پدر و برادر شوهرم. ته‌دم می‌گویم خب حتماً نمی‌دانستند که ما امتحان داریم، اما کمی آن طرف‌تر، اینکه می‌خواستند من را اذیت کنند هم ذهنم را قلقلک می‌دهد. نمی‌توانم خودم را آرام کنم، دلم عین سیر و سر که برای امتحان پس فردا می‌جوشد. هر چه هم مادر بیچاره علی اصرار کرد که شام را خودش درست کند امده‌ام ندادم. حتماً می‌خواست به خاطر همین یک وعده شام تا مدت‌ها سرم منت بگذارد. حتماً پیش خوش می‌گوید بیچاره بسرم. اما بیچاره منم که وسط امتحان‌های پایان ترم گرفتار این مهمان‌های ناخوانده شدم.

با دستی که به شانهم می‌خورد از فکر و خیال می‌پرَم. کجایی دختر؟ جواب می‌دهم همینجا و دستی به کتلت‌ها می‌زنم. مادر علی است. آرام و کم حرف. روزی که آمد خواستگاری هم خیلی حرف نز، فقط مرا نگاه می‌کرد و می‌خندید. خنده مهربانی داشت، مثل خود علی. آن روز شوهر علی گفت که وقتی علی موضوع عاشق شدنش را مطرح کرد و گفت خاطرخواه یکی از همکلاسی‌های دانشگاهش شده مادر بی‌هیج اما و اگر؟ قبول کرد به خواستگاری بیاید، او همیشه نظر علی را قبول داشته. اما من به مادرم گفتم گرفتن عروس دانشجوی سخت‌است، نمی‌شود هم درس خواند هم زندگی اداره کرد. مادرم گفت ما عروس نمی‌آوریم. او از وقتی به علی بله بگوید، دختر خانه ماست.

ببقرایام را می‌فهمد، با همان آرامش کفگیر را از دستم می‌گیرد و کتلت‌ها را زیر و رو می‌کند. بی‌هیج حرف اضافه‌ای می‌گوید ببخشید مزاحمتان شدیم.

سرشنده می‌شوم. فقط چهار ماه عقد بودیم، علی اصرار داشت زیر یک سقف زندگی کنیم. حالا بعد سه ماه زندگی مشترک اولین مهمانی مان دقیقاً به امتحانات پایان ترم برخورد کرده است. ته‌دم به علی بدویسراه می‌گویم. از بسس دندان‌هایم را به هم فشردهام تمام فکم درد می‌کند. بیای علی آقا، این هم خانواده مهربان و مادر مهربان‌تر از برگ گلنت... ههها!

پریشانم و از اینکه این پریشانی دارد از اعماق وجودم به ظاهر رفتارم سوق پیدا می‌کند ناراحتم. نگرانم طوری رفتار کنم که به خانواده علی ریزخورد اما خب من امتحان دارم.

شام که تمام می‌شود، و سفره را جمع می‌کنیم قدری آرام‌تر شده‌ام. حالا بهتر از سر شب می‌توانم صدای علی و خانواده‌اش را بشنوم.

ماجرای وقت دکتری که از هشت ماه پیش، علی برای مادرش گرفته بود و حالا موعد همان وقت است. ماجرای امروز صبح که علی به جان خانه افتاد و همه جا را مرتب کرده؛ ظرف‌ها را شست، دستشویی را تمیز کرد و... همه اینها را من می‌دانستم.

اینکه تیر ماه ۹۴، رهبر فرزانه انقلاب با ورود مستقیم به موضوع، آن را یکی از مصادیق سیاست بازی در دانشگاه‌ها و از غلط‌ترین کارهای چند سال اخیر دانستند. معظم‌له در جریان جلسه مذکور فرمودند: «سُتی که در این موضوع به دانشگاه‌ها تزریق شد از بینش فکری مبتنی بر سیاست کاری نشئت می‌گرفت و متأسفانه، هم خلاف قانون، هم خلاف تدبیر و هم خلاف اخلاق بود. آن‌وقت مدام دم از اخلاق هم می‌زنند. توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند! این کار اخلاقی بود؟»

حالا رهبر فرزانه انقلاب مجدداً طی دیدار اخیر خود با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، موضوعی همچون مسئله انتخابات، ریزگردها و بورسیه‌ها را نمونه‌هایی از عرصه‌های لازم برای حمایت از حقوق مردم برشمرد، گفت‌اند: «البته در موضوع بورسیه‌ها، موضوع به‌درستی پیگیری نشد و آن کاری که باید انجام می‌شد، محقق نگردید.» ریاست قوه‌قضائیه البته در مقطع تصویب مصوبه عجیب شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه منع ورود این قوه به مسئله بورسیه‌ها، نامه‌ای به رهبر فرزانه انقلاب نوشته بود و پیگیری این مسئله بود. با این وجود، حق دانشجویان مظلوم بورسیه هنوز در حلقوم باندی سیاسی است که به این آسانی‌ها مایل به حساب پس دادن نیست. چند ماه پیش از این، «غ-غ»، مدیر کل سابق بورس وزارت علوم و یکی از متهمان اصلی پرونده بورسیه‌ها، با یک‌ار تقای رتبه‌ای قابل تأمل، با حضور صدیقی، معاون دانشجویی وزارت علوم به عنوان راینر علمی ایران در روسیه معرفی شده است!

غلامی با انتصاب در موقعیت جدید، عملاً به مدت چهار سال مصونیت قضایی پیدا کرده، نمی‌توان پیگیری شکایات از وی شد. همزمان با انتصاب مذکور، یکی از دانشجویان بورسیه، به رسانه‌ها گفته بود: «با توجه به عدم رسیدگی شکایت دانشجویان بورسیه از این شخص توسط قوه قضائیه شواهد و قراین‌اپطور نشان می‌دهد که گویی می‌خواهند احمد غلامی را فراری دهند!» بازی چند ساله تیم سیاسی حلقه زده در وزارت علوم با حیثیت چندند

دانشجوی نخبه کشور باید هم در دولت و هم در قوه‌قضائیه دادخواهانی پیدا کند و همچنان افکار عمومی خواهان روشن شدن این پروبریزی باشد.

انقلاب اسلامی جبهه‌ای عظیم و سخت در برابر بربریت مدرن صادرشده از غرب گشوده است. سختی‌های این راه زیاد است و منظور وی از «این رسوا» ادیان وحیانی بودا و تهاجم وحشیانه عده‌ای معلوم الحال به مفهوم «آتش به اختیار» نیز بازتاب مجدد همان هزلیات ولتر و کانت در ایران امروز است. در این فضا، دانشجویان انقلابی و دلیسته به آرمان‌های اسلامی-ایرانی‌اولا باید در راه انجام تکلیف از لجن پراکنشی فرزندان ولتر، دیدرو و دیگر روشنفکران غربی‌نترسند. معضلات فرهنگی-اجتماعی موجود در جامعه روشن‌تر از آن است که لازم باشد هنوز درباره راه در پستوهای دستگاه‌های عریض و طویل، راهبرد و سیاست‌های کلی بی‌خاصیت نوشت و اجرا نکرد. طی سال‌های اخیر حجم عظیمی از سرمایه در اختیار فرزندان خلف ولتر در عرصه ادبیات و علوم انسانی غربی قرار گرفته‌است.

شواهد بازار نشر می‌گوید تزریق مالی سرسام‌آوری در این عرصه در حال انجام است و به پشتیبانی غیرمستقیم بنیاد سوروس، بنیاد جامعه باز، بنیاد دفاع از دموکراسی و دهها نهاد امریکایی توزیع کسبه‌سده دموکراسی! خوب است، ولی فعالیت جوانان انقلابی در بهروت بی‌بودجگی، بی‌توجهی مسئولان فرهنگی و انجام چنین فعالیت‌هایی برای دنباله‌روهای بیسواد و فحاش‌جان لاک، فرانسیس بیکن و امثال ولتر خطرناک است. ولتر، نویسنده مبتذل نویس فرانسوی را صورت مثالی

حسینیه کرده بودند.